

اعلامیه

توطئه جدید کنسرسیوم غارتگر نفت و رژیم خائن شاه، علیه استقلال و حق حاکمیت ملی ما!

هموطنان عزیز!

اکنون معلوم میشود که مسافرت خصوصی شاه بانگستان که ظاهراً برای تماشای "مسابقات اسپدوانی سلطنتی" بدعوت ملکه انگلستان صورت گرفته بود، چه هدف پلیدی در نهان داشته است. حتی در برنامه سفر شاه که با احتیاط تمام و در آخرین ساعات منتشر شد، تنها به مذاکرات او با مقامات انگلیس در باره خرید تانک شیفتن و کنگورد و هواپیماهای نظامی اکتفا شده بود و به هدف اصلی او از این سفر هیچگونه اشاره ای نشده بود. و تنها پس از مصاحبه مطبوعاتی که خود شاه با خبرنگار بریتانیا در روز شنبه سوم تیرماه ۵۱ (۲۴ ژوئن) قبل از ترک لندن بعمل آورد، برده ها بالا رفت و معلوم شد که چرا "شاهنشاه" برای دیدن "مسابقات اسپدوانی اسکات" رنج این سفر را هوار "فرموده" و با وجود خطرات ناشی از فعالیتهای احتمالی چریکها در خارج از کشور که منجر به احتیاطات امنیتی فوق العاده در زونولندن شد، باین سفر مخاطره آمیز اقدام کرده است. اینبار هم نفست این بار ارزشترین ماده حیاتی برای صنایع جهان صنعتی و سرمایه داری اصل موضوع بوده است. اما اینبار صحبت از مذاکره در کادر چانه زدن بر سر قیمت نفت و تثبیت آن برای مدت معینی کوتاه (همچنانکه سال گذشته قیمتها را برای مدت پنج سال تثبیت کردند) نیست. اینبار توطئه ای بزرگتر و خطرناکتر نسبت به منافع و حق حاکمیت مردم ایران مطرح است. خیانتی مجدد و عظیم تر به طغی که در بنسبت امپریالیستها و نوکران آنها امیراست. بار دیگر سخن از تعدد قرارداد ظالمانه و ضد ملی با کنسرسیوم بین المللی نفت است. قراردادی که ناقض قانون ملی شدن صنعت نفت و نفی کننده تمام دست آوردهای مردم ایران برهبری دکتر محمد مصدق بوده است. وقاحت و خیانت شاه تا آنجاست که در مصاحبه روز شنبه در لندن اعلام داشته که حتی منتظر انقضای مدت امتیاز با کنسرسیوم که تا سال ۱۹۷۹ (۷۷ سال دیگر) ادامه دارد نشده و از مدتی قبل با کنسرسیوم نفت مشغول مذاکره برای تجدید امتیاز برای ۱۵ سال بعد از مدت امتیاز یعنی برای ۲۲ سال دیگر شده است. حتی تاریخی را هم که نمایندگان کنسرسیوم به تهران میآیند که امتیازنامه جدید را امضا کنند تعیین کرده است. بدیهی است که تمام این مذاکرات بدون اطلاع مردم ایران و در نهان صورت گرفته است. در این باره ساندی تایمز مینویسد: "شاه فاش کرد که در حال حاضر مشغول مذاکره با نمایندگان نفتی که در ایران عمل میکنند (بسرکردگی شرکت نفت انگلیس، ۴ درصد امتیاز و شل ۱۴ درصد امتیاز) میباشد. این مذاکرات برای این منظور در جریان است که امتیازی را که در سال ۱۹۷۹ تمام میشود از هم اکنون تمدید کند. . . . نمایندگان شرکت نفت ۲۳ ژوئیه به تهران میآیند که موافقت نامه را بسرانجام برسانند. . . ."

بقیه در صفحه دوم

عملیات مسلحانه

چریکها

عملیات چریکهای مسلح روز بروز دامنه بیشتری پیدا کرده و از کیفیت و محتوی شکل کاملتر و آگاهانهتری برخوردار شده است. این عملیات که با فدائیکاری و قهرمانی چریکهای شهری انجام میگردد، رژیم شاه را بحالت دفاعی برده است. هزاران مأمور امنیتی و انتظامی گرفتار محافظت از بانکها، شرکتهای خصوصی و مشترک خارجی، مستشاران نظامی خارجی و ادارات و موسسات دولتی شده اند. دامنه عملیات مسلحانه محدود به تهران (قلب و مرکز اعصاب رژیم) نشده و همانطوریکه در گذشته هم در تبریز، ساری، رشت، خراسان و خوزستان و سایر نقاط ایران در جریان بود، هم اکنون در افغانستان، شیراز، کرمانشاه و شمال و شرق کشیده شده است. در زیر پاره ای از این عملیات مسلحانه چریکها را نقل میکنیم:

مصادره وجوه اتومبیل مسلح بانک بازرگانی

در نیمروز پنجشنبه ۱۴ بهمن ۵۰ یک تیم از چریکهای شهری با نقشه جالب و ماهرانه ای کلیه وجوه یک ماشین مسلح و گارد دار که وجوه بانک بازرگانی شعبه کشتارگاه را به شعبه ریاطکریم حمل میکرد، مصادره نموده و یک افسر شهرداری را هم که دخالت نموده نابود کرده و خود بدون تلفات با موفقیت کامل بیپایانه خود مراجعت کرده اند. مشروح این واقعه از این قرار بوده که چریکها از مدتها قبل خط سیر و ساعات حرکت اتومبیل را بدقت شناسایی کرده و در روز عمل سه تن از چریکها در حالیکه خود را بشکل کارگران شهرداری که مأمور اصلاح خیابان هستند، در آورده و در قسمتی از یکطرف خیابان مشغول کار میشوند. قبلاً تمام مقدمات و وسائل کار را آماده کرده و جرافتهای قرمز مخصوص بستن خیابان را مهیا کرده بودند. در ساعت ۱۲/۵ موقعی که چریک دیگری بوسیله اتومبیل سواری سر میرسد و علامت میدهد که ماشین حامل پول میآید، چریکها بموقع راه را میبندند

بقیه در صفحه سوم

سازنده از صفحه اول توطئه جدید کسرسیموم غارتگر نفت و رژیم خاشاک شاه بطوریکه خود شاه فاش کرده است . تبانی و سازش با کسرسیموم غارتگر نفت از مرحله مذکور گذشته و گفتگو گشته و بیای توافق قطعی رسیده و بطوریکه اعلام شده نمایندگان کسرسیموم ریز ۲۳ ژوئیه یعنی اول مرداد به تهران می آیند که قضیه را فیصله داده و امتیاز نامه را امضاء کنند .

بر واضح است که کمیته های غارتگر نفت نمیتوانند شادی و رضایت خود را از این واقعه پنهان دارند . بخصوص از این نقطه نظر که با اخذ این امتیاز برای مدت ۲۲ سال دیگر خیانتشان از جهت نفت ایران که یکی از منابع درجه اول نفت در نیاست آسوده شده و در صورت تمایل

با بالا بردن میزان تولید نفت جبران کاهش مقدار نفتی را که از ملی شدن نفت عراق و احیانا کشورهای دیگر ناشی میشود، به نمایندگی . بیپایه نیست که محافل نفیسی غرب بسیاری توافقی با شاه ایران در مورد نفت - از نظر مقابله با سایر کشورهای تولید کننده نفت و اوپک -

اهمیت زیادی قائلند و بقول خودشان با این توافق کسرسیموم را شکسته اند . و بیجهت نیست که صاحبیه روز شنبه شاه که درست همزمان با تشکیل کنفرانس سالیانه اوپک بود ، شرکت کنندگان در کنفرانس را سخت برآشفته و خشمگین ساخت و بهمین

مناسبت بحقیق اعلام کردند که : تراستهای بین المللی نفت با دست شاه ایران از پشت به اوپک خنجر زدند . عمل شاه نه تنها خیانتی جبران ناپذیر به مردم ایران که صاحب واقعی منابع نفتی است ، میباشد بلکه در عرصه بین المللی خیانتی بزرگ به تمام ملل صاحب نفت و تولید کننده

این محصول حیاتی است . و بی سبب نیست که محافل امپریالیستی نفتی بوسیله عناصری چون سردبیر امور صنعتی و نفتی مجله ساندی تایمز و امثالهم فسران خوشحالی سرداده اند . ریچارد سنن یکفلسه پراز مصاحبه شاه تحت عنوان " بالاخره خبصرهای خوشی در بسار نفت " پس از آنکه

به سالهای بحرانی اخیر در امور نفتی (برای غرب) که شامل درخواست بالا بردن قیمت ، ملی کردن و اختلال در صدور نفت از طرف کشورهای تولید کننده نفت خامور میانه اشاره میکند ، میافزاید که حاکمیت تسبب تهدیدات با نزدیکی شدن کنفرانس سالیانه نمایندگان اوپک میسر رفت که به حد اعلی شدت بر سرمد

که " ناگهان تسبب پائین آمد . زیرا شاه ایران - کشوری که بزرگترین تولید کننده نفت در خاور میانه است - ترتیب معامله ای را میدهد که برای مدت بیش از بیست سال دیگر تولید و صدور بی درد سر نفت را (برای غرب) تضمین میکند .

می بینیم که چگونه زیر پرده " مسافرت " تفریحی " شاه و مشاهده " مسابقات اسب دوانی اسکات " شالوده چه خیانت بزرگی در مقیاس ملی و بین المللی ریخته میشود و بعد از آنهم بلندگوهای رژیم در ایران شروع به توجیه این خیانت کرده و سعی میکنند افکار عمومی را برای قبول این خیانت بزرگ آماده سازند . آنها از دریافت چند فاز اضافه قیمت و دریافت چند شاهی بیشتر در ازای اضافه

تولید گوته را کسر کرده اند ولی در مقابل راجع به تعهد شاه در اثر بانکه در آمد نفت را یکجا از انگلستان و آمریکا خرید خواهد کسرت و آنهم خریدی از نوع تافکهای شیفتن و هواپیماهای نظامی و کالاهای استراتژیک ، مسکوت بر لب زده اند . آنها از مردم پنهان میکنند که شاه با کمال بیشرمی گفته است :

" ما در سالهای آینده و چنان خواهیم کرد که به موازنه برداختهای شما کمک موثر نماندیم . در حالیکه همه میدانیم کارگر کویزخانه تهرانی و جیت باف کرجی برای درخواست یک تومان اضافه دستمز

هدف گوله رژیم قرار نمیگردد و در همان بلوچی برای سیر کردن شکم کورگانش ناچار است آنها را برای جبرا به حصارا بفرستد ! و آنوقت شاه از کیمه این کارگرو در همان ایترانی بیه

دزدان دریائی که قزلباش خون مردم ایران و سایر ملل شرق را میکشد مانند حاتم بخش میگوید و برای تعادل بودجه آنان از ثروت مردم فقیر ایران مسایه میگیرد . رژیم ایران حتی جرئت ندارد در مطبوعات ایران صراحتا مسئله تمدید امتیاز با کسرسیموم را بعد از ۲۲ سال دیگر مطرح کند . او

با کمال وقاحت از " موافقت نامه انقلابی " دم میزند ! آنها حتی دارند زمینه را چنان آماده میکنند که همانند زمان تمدید امتیاز نامه ننکین داری در سال ۱۹۳۳ که بدست رضا شاه - تقی زاده انجام گرفت مردم مجبور باشند پس از تمدید امتیاز

چراغانی هم بکنند ! در آن زمان یعنی ۵۰ سال پیش هم رضاشاه و دولت وقت همین استدلال رژیم شاه را میکردند که با تمدید امتیاز در آمد نفت بمقدار قابل ملاحظه بالا خواهد رفت و بنابراین اقدام به یک عمل انقلابی کرده اند . ولی بشهادت تاریخ ، همین آقای تقی زاده عقد قرارداد ۱۹۳۳ هنگلیکه

دکتر مصدق با اعتبار نامه او مخالفت کرده بود در مجلس ۱۴ گریه کرد و عقد قرارداد ۱۹۳۳ را خیانت به ملت ایران خواند و خود را " آلت فعل " نامید .

هموطنان عزیز ! بار دیگر دیکتاتور ایران میخواهد با استفاده از شرایط خفقان و فشار و نبود آزادیهای مصرحه در قانون اساسی و فقدان مجلس منتخب مردم ، امتیازنامه ننکین دیگری نظیر امتیازهای گذشته با شرکت نفت انگلیس و کسرسیموم ، مردم ایران تحمیل کند .

میخواهد برای مدت ۲۲ سال دیگر حلقوم مردم ستمدیده ما را به جنگ و دزدان سوداگران آزمند بیمن المللی نفت بسپارد و در ازای آن پس از دریافت دالسی گسلان ! تمام وجود دریافتی از درآمد نفت را یکجا برای نابودی ما توپ و تانک و اسلحه های مرگ بار خریداری کند و از این راه بیه " توازن بودجه امپراتوری بریتانیا خسته است کند " .

دنباله نامه وایده
ایران بود بایست اکنون مبارزه مردم ایران را رهبری میکرد در صورتیکه نه تنها چنین نیست بلکه حتی دلبری در دست نداریم که به پنداریم این " حزب " اصلا دارای سازمانی در میان مرزهای ایران است .

شرایط عینی انقلاب نیز فقط بمعنای وجود نیروی بالقوه انقلابیست ولی این نیرو هرگز متشکل و جمیع آوری نمیشود مگر اینکه سازمان انقلابی بتواند با انتخاب روش مناسب مبارزه

انقلابی را نسبت به موفقیت انقلاب امیدوار گرداند و آنانرا از گزند دشمن هم محفوظ نگهدارد . و گرچه هیچگاه نمیتوان پیروزی یک برنامه انقلابی را قطعی دانست ، شکست

روشهایی مانند روش حزب توده " دایر بر وجود آوردن یک حزب عظیم مخفی در شرایط اختناق فعلی ایران قطعی است .

در نوزده سال گذشته عدم کفایت و بی لیاقتی و غیر انقلابی بودن رهبران جبهه ملی ، و هم چنین انحطاط اخلاقی و بردگی رهبران حزب توده ، باضافه ترس و عجز آنها و عدم مناسبت شکل سازمانشان ، خلقیهای ما را از احتشال

موفقیت این جریانهای سنتی کاملا نومید کرده است . انقلابیون حقیقی ایران اکنون در جستجوی راههای تازه هستند تا انقلاب را در عصر تکامل حیرت انگیز روشهای پلیسی و اختناق

به موفقیت برسانند . این ماجراجویی بیست ، این اجرای رسالت تاریخی هر انقلابی راستین برای اجرای انقلاب آزاد بیخشد در تحت شرایط تازه است .

چریکیهای رشید ما با فدائاری غیر قابل تصور این اعتقاد را در خلقیهای ما بوجود میآورند که میتوان بر پیگرد دشمن ضربات مرگبار

فرو برد آورد ، اهلش را در هم شکست و سپس از هر سو از شهر و از روستا بر قامت گسده بده اش هجوم برد .

این چریکیها هستند که به انقلاب توده ها و طبقات استثمار شونده زندگی تازه میبخشند ، نه مانی که از دور برایشان گف میزنیم و یا بر آنها از طریق رادیو پیک ایتران

حمله میبریم . آقایان پیک ایران ! اگر نمیتوانید خودتان اسلحه بدست بگیرید و یا اینکه برای چریکیها اسلحه بفرستید ، حداقل مسکوت اختیار کنید ، زیرا که آنان بر عکس شما انقلابیید و قهرمان !

حمله سر خاکسار

نوشته : علی اکبر صفائی فراهانی (فرمانده واحد جنگی در نبرد سیاهکل)

آنچه یک انقلابی باید بداند

ضمیمه

۱۹ بهمن
در خدمت جبهه آزاد بیخشی ملی ایران
منتشر شده

مانده در صفحه پنجم

نابود باد سلطه دد منشانه شاه این عامل ارتجاع و امپریالیسم

مانده از صفحه اول

و با يك مانور برق آسما و ماهرانه بدون اینکه براننده و مستحفظ مسلح اتومبیل مجال حسرتکسی دهند ، کلیه وجوه موجود را که بنا باظهار مقامات پلیس دولتی و سید هزار ریال بوده مصادره میکنند . در این هنگام افسر پلیسی بنام چاوشی سرسیده و در صدد سنگبری یکی از چریکها بر میآید که چریک دیگری بموقع او را خاموش می سازد .

انفجارات متعدد بمب در چند نقطه تهران در روز "تظاهرات" فرمایشی عوامل رژیم .

در روز ۱۰ اسفند که بدستور شاه و کارگردانی سازمان امنیت و شهرتانی "تظاهرات" اوباش و عوامل دستگاه و افراد معدودی با زور و تهدید برای زمینه سازی اقدام مبارزان در فردای آئین روز که سرهم بندی شده بود چریکها ۱۰ بمب در نقاط مختلف پایتخت و از جمله در میدان سپه منفجر کردند که اولاً منجر به بهم خوردن "تظاهرات" سرهم بندی شده و ثانیاً چندان تن از ماموران ساواک و اطلاعات شهرتانی رانهای در آورد . یکی از بمبها نزدیک کاخ نیاوران منفجر گسردید . انفجار این بمبها در مردم تهران ایجاد شغف و خوشحالی و در ماموران ساواک و شهرتانی رژیم ایجاد ترس و وحشت زیاد نمود .

انفجار در مجلسه "این هفته"

در روز سه شنبه ۱۲ اردیبهشت بمبی که توسط چریکها در مجلسه "این هفته" گذاشته شده بود منفجر میشود که منجر به خسارات مالی بسیار زیاد و زخمی شدن چند تن از کارگردانان مجلسه میشود . این مجلسه که بدنبال نقشه منحرف کردن جوانان توسط عوامل رژیم منتشر میشود ، کلیه صفحات خود را اختصاص به چاپ عکسهای لخت و صور تبیحه و مسائل خلاف اخلاق و منحرف کننده جوانان میسازد .

انفجار در شعبه هواپیمائی بی . او . ای . سی .

در سرکراه روز ۱۴ اردیبهشت ۵۱ بمبی که توسط چریکها در دفتر شرکت هواپیمائی بی . او . ای . سی . واقع در خیابان شاهرخ ، که يك شرکت انگلیسی و از بزرگترین شرکتهای هواپیمائی دنیا است ، کار گذاشته بود منفجر شد و خسارات مالی زیادی باین شرکت وارد آورده شد .

انفجار بمب در میدان شاه و کشته شدن يك مامور پلیس

در ساعت ۱۰/۵ شب چهارشنبه سوم خرداد ۵۱ در میدان شاه از يك چریک موتور سوار يك بسته شامل مواد منفجره بطرف يك مامور کهنه کار و شناخته شده پلیسرها میشود که منجر بکشته شدن این مامور دشمن میشود .

نظیر این عمل و روش نسبت به چند مامور جانیکار ساواک بعمل آمده و منجر بنا بودی آنها شده است .

"پذیرائی" چریکها و مردم ایران از نیکمن رئیس جمهور امریکا

از مدتها قبل از سفر یکروزه نیکمن بایران احتیاطات فوق العاده امنیتی صورت گرفت . شاه میخواست به سرکرده اربابان نشان دهد که ایران "جزیره ثبات و آرامش" و کاملاً "امن و امان است" . تمام دستگاههای جنبشی امنیتی بکار افتادند و هر گوشه مشکوکی را زیر نظر گرفتند . محافظت از جان مستشاران نظامی امریکا و ادارات وابسته بامریکائیان با شدت هرچه تواتر در برنامه روزانه مامور ساواک و شهرتانی قرار گرفت . اما از جانب دیگر ، مردم و چریکهای قهرمان تصمیم گرفته بودند از این مهمان ناخوانده "پذیرائی" جانانه ای بعمل آورند . مردم ایران نسبت به نیکمن نفرت خاصی دارند . او معاون رئیس جمهور امریکا بوده وقتی که امریکا و انگلیس دست در دست هم کودتای ننگین ۲۸ مرداد را بکله سیما سرهم بندی کردند و او چند ماه پس از کودتا برای بازدید از نتایج نقشه ای که کارگردانی کرده بودند ، بایران آمد و رژیم کودتا هم برای خوش خدمتی بیشتر سه دانشجوی دانشگاه فنی را پیشبای او قربانی کرد . علاوه بر این کینه بیشتر مردم ایران از نیکمن بسبب نقشی است که او در کشتار مردم قهرمان ویتنام و لائوس و فلسطین دارد .

از شب قبل از ورود نیکمن ، تمام دیوارهای تهران پر شد از شعارهای علیه نیکمن و امپریالیسم امریکا . دیگر اینکه مردم به ستاره های پرچم امریکا که در خیابانهای تهران بمقدار زیاد نصب شده بود يك ستاره اضافه کردند و همین موجب شد که مقامات امریکائی در تهران بخلط بودن پرچمها اعتراض کنند و دستگاه مجبور شد با عجله تمام پرچمهای امریکا را جمع کند و بجای آنها پرچمهای دیگری نصب کند و چون وقت کم بوده لذا نتوانستند باند اوه کافی پرچم امریکا نصب کنند ! بمنظور رعایت امنیت بیشتر ، يك روز قبل از ورود نیکمن ، اتومبیل مخصوص او را از امریکا بتهران آوردند . در تكت تكت اطاقهای ساختمانهای کسه در مسیر عبور نیکمن و شاه ، از فرودگاه مهرآباد تا شهر واقع شده يك یا دو مامور ساواک یا پلیس گذاشته بودند . خلاصه جائی نبود که وارسی نشده باشد . با وجود همه ی این پیشگیریها چریکها ۱۵ ساعت پس از ورود او آنچنان "خدمتی" باو و رژیم دست نشانده اش کردند که خاطره آنها رسالتها فراموش نخواهند کرد !

لااقل ۹ بمب در نقاط مختلف شهر منفجر شد که خیل خبرنگاران خارجی را که بمناسبت سفر نیکمن بتهران آمده بودند گیج و مبهوت ساخت . عملیات ماهرانه چریکهای شهری را از نظر حسن انتخاب زمان عمل (وقتی که تمام نظرها متوجه ایران است و ۲۵۰ خبرنگار خارجی در ایران جمع شده اند و رژیم نمیتواند اخبار را سانسور کند) و همچنین از نظر حسن انتخاب هدف (علیه نیکمن سبب امپریالیسم جهانی و شاه دلال او) و

و بالاخره از نقطه نظر کارآمدی و قدرت انجام عمل - در سخت ترین شرایط پلیسی و آمادگی کامل دستگاه - میتوان یکی از شاهکارهای جنبش چریکی در مقیاس جهانی دانست . بیپوده نیست که خلق قهرمان ویتنام برای این عملیات چریکی علیه نیکمن در ایران اهمیت زیادی قائل شد .

در زیر بشرح این عملیات میرد ازیم :

انفجار بمب در "آرامگاه" رضا شاه

یکی از برنامه های نیکمن در صبح روز چهارشنبه ۱۰ خرداد ۵۱ گذاشتن دسته گل بر قبر رضا خان دیکتاتور سابق بود . درست نیم ساعت قبل از ورود نیکمن یعنی در ساعت ۸/۵ بمبی که چریکها بصرای "استقبال" از او بمفاصله ۸۰ متر تا جائیکه قرار بوده گل را بگذارد و مراسم انجام شود ، منفجر میشود . انفجار این بمب موجب خسارات فراوانی کرد و ده ترس و وحشت سراپای شاه و نیکمن را فرا میگیرد . ابتدا تصمیم میگیرند که مراسم گذاشتن دسته گل را هدف کنند ولی پس از تمسورات و مباحثات و برای جلوگیری از آبروریزی بیشتر و البته پس از اطمینان از اینکه خطری نیست این مراسم با ۴۵ دقیقه تاخیر "با ترس و لرز بسیار" در ساعت ۹/۵ انجام میگردد .

منفجر کردن اتومبیل رئیس مستشاران نظامی امریکا

در نیروی هوائی

در ساعت ۷/۲۰ بامداد روز چهارشنبه ۱۰ خرداد موقعیکه ژنرال پرایس رئیس مستشاران نظامی امریکا در نیروی هوائی ایران در حال جا بجا شدن در اتومبیلش (اتومبیل اداره مستشاری امریکا) بوده ناگهان او و شوفرش و اتومبیل بهوا میروند . این واقعه چند متر دورتر از خانه اش واقع در قیطریه اتفاق افتاد . چریکها از مدتها قبل طی اعلامیهای بر رژیم اعلام کردند که در مقابل شکجه و اعدام مبارزان جاسوسان امریکائی یعنی مستشاران نظامی امریکا را از بین خواهند برد .

انفجار در کارخانه پیسی کولا

در صبح روز چهارشنبه ۱۰ خرداد سومین بمب در کارخانه پیسی کولا منفجر شد . پیسی کولا يك شرکت امریکائی - ایرانی است . سهامداران ایرانی این شرکت خانواده ثابت پاسال میباشند که خود ، یکی از پایه های رژیم را تشکیل میدهند . گفته میشود که نیکمن و کیل و مشاور حقوقی شرکت پیسی کولا بین الطلی است . این موضوع هم یکی از انگیزه های چریکها برای انفجار این کارخانه بوده است .

انفجار بمب در ساختمان اداره اطلاعات سفارت امریکا

و در اداره شرکت نفت امریکا

چهارمین و پنجمین بمب در ساختمانهای اداره اطلاعات سفارت امریکا و شرکت نفت امریکائی توسط چریکها منفجر شد که خسارات مالی فراوانی را موجب شد .

مانده در صفحه پنجم

پیروز باد مبارزه مسلحانه خلقهای ایران علیه رژیم خائن شاه

مانده از صفحه ششم

مردم ایران دشمن پروستا و جز بعنوان اعدای ضد انگیزه‌های نبوده نه تنها کوچکترین دردی از مردم را روا نکرده بلکه مشکلات تازه‌ای نیز برای آنها فراهم نموده است. هر روز زنجیرهاییکه بدست و پا و اندیشه مردم بسته شده سنگین تر گردیده و امپریالیستها و عمال خائن آنها همواره نقشه‌های تازه‌ای برای استعمار و عقب‌نگاهد اشتن بیشتر مردم کشیده و اجرا میکنند. میهن ما را با توجه بوضعیت سوق الجیشی خود و با وارد ساختن آن به پیمانهای سیاسی نظامی و امپریالیستی به یکی از عمده ترین کانونهای توطئه و تجاوز بخلقهای منطقه بویژه خلقهای قهرمان فلسطین و قطار در آورده اند. در داخل کشور رژیم ارتجاعی شاه با پشتیبانی همه جانبه اربابان امریکائی و اسرائیلی اش و بکس سیمت پلیسی و نیروی ارتش، که رژیم پیوسته سعی نموده از آن بعنوان عامل سرکوب توده‌ها استفاده نماید، جنبشهای مکرر خلق دلیر ما را که هدفی جز رهائی ایران از قید استعمارگران و نوکران داخلی آنها نداشته اند بوحشیانه ترین وضعی سرکوب نموده است. تاریخ مبارزات ایران بیانگر این واقعیت است که در برابر چنین شرایطی خلق ما هرگز تسلیم نگردیده و در این راه با استفاده از شیوه‌های مختلف مبارزه و دادن قربانیهای بیشمار و ارزنده، بخاطر خواست های عادلانه خود مقاومت نشان داده و علیرغم عدم موفقیت کامل در کسب قدرت سیاسی در طول مبارزاتیکه بخاطر استقلال و آزادی خویش انجام داده در سهای فراوان و گرانبهای گرفته است.

همسئله اولیه سازمان ما که هم اکنون برای اولین بار نام آنها فاش میکنیم در شش سال قبل و با شرکت برخی از کادرهای سابق نهضت آزادی ایران که پس از زندانی شدن سران مؤمن و فدائوگانش دیگر فعالیتی نداشت پس از انتقادی اساسی نسبت به شیوه مبارزات گذشته، بشکل مخفی بنیاد گرفت. از همان بدو تشکیل با استفاده از تجربیات ارزنده تاریخ مبارزات خلقهای انقلابی جهان عموماً و خلق خودمان خصوصاً و همچنین با بررسی و تحلیل عملی شرایط جامعه ایران باین حقیقت پی برد که:

اولاً در شرایط کونی تضاد اصلی و آشتی ناپذیر جامعه ما را تضاد بین توده‌های خلق از یکطرف و امپریالیسم جهانی بسرکردگی آمریکا و رژیم بدست نشاند. شاه از طرف دیگر تشکیل میدهد.

ثانیاً بخاطر پیروزی در مبارزه ضد امپریالیستی بسیج همه رنجبران و ستم‌دیدگان خلق امری ضروری و اجتناب ناپذیر است.

سازمان ما در روشنائی این دو اصل اساسی، شیوه مبارزه مسلحانه توده‌های را بعنوان تنها راه کسب آزادی و نابودی استعمار انسان از انسان، انتخاب و دنبال نموده و از آنروز تاکنون تحت شکل سازماندهی کاملاً مخفی و در پرتو فدائوگایهای خلق و فرزندان پیشتاز آن و با سعی در بکار گرفتن حد اکثر امکانات موجود و با برقراری ارتباطات عمیق انقلابی با جنبش‌پیشرفته منطقه یعنی انقلاب فلسطین موفق گردید علیرغم شرایط پلیسی ایران در زمینه‌های نظامی و انقلابی تجارب ارزنده‌ایرا کسب نماید. این تجربیات به نوبه خود، ما را در طول این مدت

بیانییه سیاسی " سازمان مجاهدین خلق ایران "

در پند برش این امر راسخ تر ساخت که شرایط عینی جامعه ایران بخلق ایران و بما که از درون او برخاسته و در دانش رشد یافته‌ایم اجازه میدهد که بمبارزه قهرآمیز علیه امپریالیسم و مرتجعین داخلی بسرکردگی شاه ببریم و در شوارتهای این راه را آگاهانه تحمل نمائیم. سازمان ما در آینده بتدریج و در جریان عمل انقلابی، تجربیات خود را در این فاصله کسب کرده و در اختیار کلیه رزمندگان انقلابی ایران که متقابلاً به دستاورد هایشان سخت نیازمند است قرار خواهد داد.

دستگیری بیش از ۷۰ نفر از برادران رزمنده ما از تاریخ اول شهریور ماه ۵۰ تاکنون، اگر چه در چنین شرایطی از مبارزه برای ما ضربه‌ای سنگین و ناگوار بود ولی واقعیت خدشه ناپذیر اینست که هیچ خلقی بدون فدائوگاری به آزادی دست نیافته است. زحمات و فدائوگایهای جوانان مجاهد خلق چه رزمندگان قهرمان سیاهکل که پیش از ما جان خویش را در اینراه فدائوگاری کردند و چه برادران ما و چه دیگر رزمندگان، هرگز بهبود نخواهد رفت. بدون شک دستگیری این فدائیان خلق، ما و سایر نیروهای رزمنده را از لحاظ تجربه انقلابی غنی تر ساخته و در برابر مسائل و دشواریهای مبارزه آبدیده تر و مصمم تر خواهد نمود. عطیات انقلابی‌ای که در جریان دستگیریهای اخیر و یا پس از آن بوسیله رزمندگان خلق انجام گرفت خود گویای این واقعیت است که علیرغم ادعاهای باطل و سراسر دروغ رژیم دستگیریهای زندانها، شکنجه‌ها، اعدامها و کشتارهای غیر انسانی پلیس شاه هیچگاه قادر نخواهد بود مبارزه خلق ما را متوقف سازد. مبارزات تمام خلقهای انقلابی جهان نشان داده است که تجربیات انقلابی در خون و آهن نوشته شده و " مبارزه ضد امپریالیستی اگر چه راهی است طولانی و دشوار ولی از آنجا که راهبست عادلانه و برحق حتماً به پیروزی خواهد رسید. مهم این نیست که ما خود شاهد این پیروزی باشیم " اگر دستهای ما باشند که پس از ما سلاح برگزیده، اگر گوشهائی باشند که که ندای ما را برای مبارزه پندیرا شوند و اگر مراسم تشییع ما غریب و سلسله‌ها و طنین گلوله‌ها بلند باشند، گوهری در رسد، هر جا و هر زمان که باشد، گوهری در رسد.

حاصل تجربیات خود ما و دیگران در مجموع، بما چنین می آموزد که در شرایط فعلی هرگونه کوشش در بسیج و آگاهی مردم از طریق سازمانها و احزاب سیاسی و جدا از عمل نظامی، اولاً در شرایط پلیسی ایران که هیچگونه آزادی دموکراتیک وجود ندارد، ممکن نیست. ثانیاً از آنجا که گوش خلق ما از برنامه‌ها و هدفهای پلیسی اعلام شده ولی تحقق نیافته پر شده دیگر مجال آنرا ندارد که صرفاً حرف بزنند و در کار آن شاهد قدرت نمایی دشمن و ضعف خود باشند. چگونه میتوان یا خلق را از هرگونه مبارزه پیروز از میان بسر؟ چگونه میتوان او را بقدرت پایان ناپذیر خود و پوئالی بودن قدرت دشمن معتقد ساخت؟ تنها در خلال عمل مسلحانه و ضربه وارد ساختن بدشمن خواهد بود که خلق به توانائی خود و ضربه پندیری دشمن پی خواهد بسرود و هم رزمنده انقلابی

در شرایط پلیسی حاکم امکان تماس با عامل عمده بقای جنبش یعنی کارگران و دهقانان و جذب آنها در عمل انقلابی را پیدا خواهد کرد.

برای بسن اساساً عقیده داریم که هم اکنون باید کلیه نیروهای انقلابی خلق در گروهها و سازمان های مستقل به عطیات مسلحانه خود بر علیه دشمن ادامه دهند. آنها فقط در میدان عمل فرصت آنها خواهند یافت تا با برخورد نظراتشان از تجربیات یکدیگر استفاده نموده زمینه را برای ایجاد یک جبهه متحد ملی فراهم نمایند.

ما همچنانکه در برابر قدرت و ایجاب خلقان و در برابر شهیدان و عزیزانی که شجاعانه در میان نبرد جان باخته و یا در زیر شکنجه های آدمکشان رژیم پلیسی شاه مقاومت میکنند سر تعظیم فرود می آوریم، با بدوش گرفتن سلاح آنان و ادامه راهشان با خلق خود پیمان میندیم که در کسار او و بکس او در راه رهایی ایران از قید امپریالیسم جهانی و نوکردن دست نشاندگان شاه خائن جان خویش را فدای کنیم و یقین داریم که این راهی است که سرانجام آن پیروزی خواهد بود.

زند و باد وحدت توده های رنجبر و انقلابی ایران. سرنگن باد حکومت پلیسی و جنایت پیشه شاه پسرافراشته باد پرچم نبرد دراز مدت خلق علیه امپریالیسم، صهیونیسم و عمال آنها. درود آتشین به کلیه شهیدان و زندانیان خلق.

سازمان مجاهدین خلق ایران

۲۰ بهمن ماه ۱۳۵۰

مانده از صفحه ششم

تیسر باران شدگان قهرمان

پرداختند. بعداً نام " سازمان مجاهدین خلق ایران " را برای سازمان خود انتخاب کردند. سعید محسن در رهبری گروه مجدانه و فدائوگاران کوشش نمود. پس از بازداشت زیر شکنجه های وحشیانه شدیدا مقاومت کرد. از دادگاه او و رفقاییش اطلاعی در دست نیست فقط رژیم اعلام کرد که روز چهارم خرداد ۵۱ تیسر باران شده است.

مهندس سید عبدالرسول مشکین قام - مهندس کشاورزی و از افراد کادر رهبری سازمان بود. او در بدون هوایم ایران از درسی به بغداد شرکت داشت. بعداً برای ادامه مبارزه مسلحانه با ایران بازگشت. در زیر شکنجه های شدید مقاومت دلیرانه کرد. از محاکمه او خبری داده نشد. در سحرگاه چهارم خرداد در مقابل جوشه اعدام قرار گرفت و مردانه شهید شد.

محمد عسکری زاده - فارغ التحصیل مدرسه عالی بازرگانی و از فعالین و کادر رهبری س. م. خ. ۱۰ بود. از نحوه محاکمه و تاریخ آن خبری داده نشد. در سحرگاه چهارم خرداد ۱۳۵۱ تیسر باران و مردانه شهید شد.

مانده در صفحه پنجم

افتخار به همه رزمندگان دلیر نسیم د مسلحانه

مانده از صفحه دوم توطئه جدید کمرسیوم غارتگر نفت و رژیم خائن شاه . . .

هموطنان - ما در این لحظه تاریخی بتو هوشدار میدهم که خیانت جدیدی در شرف تکوین است . لحظه ی برخاستن و جنبش است . باید نشان دهی که همان ملتسی هستی که برای اولین بار در تاریخ علیه سلاطین نفت بپا خاستی و نفت خود را ملی کردی . نگذار نفت خواران بین المللی از ثروت تو که بایستی برای پیر کردن شک های گرسنه و ترقی ملکات مصرف شود . کیسه های لیبره و دلار خود را بساز کنند . چریکهای شهری بنابر رسالتی که بر عهده آنان است بوظایف خطیر ملی و میهنی خود عمل خواهند کرد و ضربات کاری بر پیکر کثیف نوکران و دلالان امپریالیستهای نفعخوار وارد خواهند کرد . بسر توست که بسهم خود برخیزی و بهروسیلای که میتوانی بانگ اعتراض خود را علیه توطئه جدید که ناقض استقلال و حاکمیت توست بلند کنی . شرایط جهانی و قدرت نیرو و جنبشهای آزاد بیخشد در جهان و خصوصاً در خاورمیانه و تفر عسوسی از رژیم شاه در دنیا و منطقه . آنچنان است که زمینه های مناسبی را برای جنبش و قیام ما فراهم نموده است .

امتیاز نامه کمرسیوم ناقض صریح قانون ملی شدن صنعت نفت در سراسر کشور است و تمسید این امتیاز - آنهم قبل از مواعد مقرر - نقض صریح قانون ملی شدن نفت است . و به همین جهت اعلام میداریم که هر نسوع امتیاز و قرارداد و تمسید نامه ای که با کمرسیوم منعقد شود از نظر مردم ایران بیلا ارزش بوده و خود بخود ملغی است .

هموطنان ! اکنون زمان آن فرارسیده که برای احیاء قانون ملی شدن صنعت نفت در سراسر کشور و لغو امتیاز نامه کمرسیوم نفت بپا خیزی . امروز وقتی است که تمام نیروهای ضد امپریالیستی و ضد رژیم دست نشانده شاه میتوانند در این شمار متفق القبول شوند بدون اینکه احتیاج به توافق نامه " رسمی " باشد . میتوانند برنامه های عمل خود را روی این شعار تنظیم و پیاده کنند . وحدت عمل نیروهای مشرقی و ضد امپریالیستی و استقلال طلب در این موضع و شعار خاص ، میتوانند پیروزی ملی را بهمراه داشته باشند .

پیروزی باد مبارزه مردم ایران در قطع نفوذ کمرسیوم غارتگر نفت و احیاء قانون ملی شدن صنعت نفت در سراسر کشور .
نسابود سلاطین امپریالیستهای خونخوار نفتی بر منابع نفتی ایران .
مرگ بر شاه خائن این دلال شرکتهای نفتی و امپریالیسم جهانی .

" ۱۹ بهمن " ۱۳ " تیرماه ۱۳۵۱

مانده از صفحه سوم دنباله عملیات مسلحانه چریکها

انفجار بمب در ساختمان شورای فرهنگی بریتانیا
ششمین بمب در اداره شورای فرهنگی بریتانیا (بریتیش کانسول) واقع در خیابان فردوسی شمالی منفجر شد . امپریالیسم انگلستان که در تمام توطئه های علیه ایران هند ست امریکاست و در موارد بسیاری کوی سبقت را از او برده است ، از سالها پیش تحت عنوان " بریتش کانسول " به جاسوسی در ایران مشغول بوده و همست . چریکها با انفجار بمب در این لانه جاسوسی آگاهی و هوشیاری خود را نشان دادند .

بقیسه بمبها در کلاترپها ، موسسات و هتلهای محل تجمع امریکائیان و اسرائیلیها منفجر شده است .

انفجار مجسمه شاه در میدان شهر قصر شیرین

در ساعت ۲۲/۱۵ شب ۱۰ خرداد ۵۱ چریکها بوسیله بمب مجسمه شاه را در میدان ۲۱ بهمن قصر شیرین منفجر میسازند . انفجار مجسمه شاه در این شهر سرحدی که نزدیک کرمانشاه واقع است انعکاس وسیعی داشته است .

انفجار بمب در هتل شاه عباس اصفهان

روز ۱۹ خرداد ۵۱ بمبسی را که چریکها در مهمانسرای شاه عباس در اصفهان کار گذاشته بودند منفجر شد که خسارات مالی فراوانی به مهمانسرا وارد آورد . صدای انفجار تا دور ترین نقطه شهر شنیده شد و در مدت کوتاهی جمعیت انبوهی در اطراف مهمانسرا اجتماع کردند . از میزان تلفات اطلاع دقیقی در دست نیست . این هتل که متعلق به سران رژیم است ، محل اقامت افسران عالیترتبه و سران رژیم و مستشاران نظامی خارجی و معمولاً محل تشکیل جلسات سری و گفتارنهای مهم دولتی و زد و بند های رجال است . گفته میشود که در روز انفجار ، جلسه مهمی در هتل تشکیل یافته بود .

نیسرد بین چریک شهری و مامورین امنیتی

در شب چهارشنبه ۳۱ خرداد ۵۱ زد و خوردی بین یک چریک و مامورین امنیتی در خیابان ایرانمهر (نزدیک میدان و آله) درگیر میشود که عده ای از مامورین امنیتی کشته و زخمی شده و سرانجام چریک قهرمان شهری بنام حسن معصومی همه انی دلاورانه شهید میشود .

مهندس سطلسی میهنست - مهندس ستمکانیک

از دانشکده فنی و از فعالین سازمان س.م.خ .۱ .
بود . در تهیه و تدارک اسلحه و مهمات سازمان کوشش فوق العاده نمود . او نیز در زندان اوین با حقوقدانان بین المللی فوق الذکر ملاقات کرد و اثرشاد جنایات رژیم را نسبت به دستگیرشدگان فاش ساخت . در ادگاه فرمایشی نظامی جانانه از تمام فعالیتهای خود و سازمان دفاع کرد . او در ادگاههای بدوی و تجدید نظر باعد ام محکوم شد و در سحرگاه ۳۰ فروردین ۵۱ تیرباران و شهید گردید .

مانده از صفحه چهارم دنباله تیرباران شدگان قهرمان

؟ تن دیگر از همزمانش تیرباران و شهید گردید .
مهندس ساضریه ییم زادگان - استاد یار دانشکده فنی تهران در رشته شیعی و از تشکیل دهندگان و رهبران سازمان مجاهدین خلق ایران بود . پس از دستگیری بسختی شکنجه شد ولی او مردانه مقاومت کرد . از نحوه مجاکه و ادگاه او خبری منتشر نشده . در چهارم خرداد ۵۱ تیرباران و شهید گردید .

مهندس سناصر صادق - از فعالین و کادر رهبری س.م.خ .۱ . بود . پس از دستگیری بطور وحشیانه ای شکنجه شد . در زندان اوین با ناو حقوقدان و ناظر بین المللی (هانری لیبرتالیس و نوری البلا) که برای شرکت در محاکمات نظامی بایران رفته بودند ملاقات کرد . او در ایمن ملاقات با شهادت تمام از رفتار وحشیانه ماموران ساواک نسبت بخود و سایر مبارزان پره برداشت . او در ادگاههای بدوی و تجدید نظر مردانه دفاع کرد و باعد ام محکوم شد . ناصر صادق در سحرگاه سی ام فروردین ۵۱ تیرباران و شهید گردید .

مهندس سمحمد بازرگانی - فارغ التحصیل مدرسه علی بازرگانی و از کادر رهبری و فعالین سازمان مجاهدین خلق ایران بود . پس از بازداشت بسختی شکنجه شد و در مقابل آن دلاورانه مقاومت کرد . در ادگاه های نظامی از فعالیتهای مسلحانه علیه رژیم شاه مردانه دفاع کرد . و باعد ام محکوم شد . در سیدهدم روز سی ام فروردین ۱۳۵۱ همراه سه از همزمانش تیرباران گردید .

مهندس سطلسی پاکسری - فارغ التحصیل از دانشکده فنی و آمیستان دانشکده علوم دانشگاه صنعتی آریا مهر و از فعالین و کادر رهبری س.م.خ .۱ . بود . از طرز مجاکه و ادگاه او خبری داده نشده . در سی ام فروردین ۱۳۵۱ همراه همزمانش در مقابل جوجه اعدام قرار گرفت و مردانه شهید شد .

مهندس سمحمد حنیف نژاد - مهندس سماشین آلات کشاورزی و از رهبران و موسسان سازمان مجاهدین خلق ایران بود . مدتها زیر شکنجه های وحشیانه مقاومت مردانه کرد . از محاکمات خبری در دست نیست . در چهارم خرداد همراه

زنده باد مبارزه مسلحانه که تنها راه رسیدن به آزادی است !

نامه وارده

در پاسخ «پیک ایران»

چند ماهیست که گردانندگان رادیوی پیک ایران نیش تبلیغاتی خود را متوجه چریکهای جبههآزاد بیخشم ملی ایران نموده اند و سعی میکنند که با کوبیدن و تخطئه آنها آنانرا تضعیف نمایند. کارکنان این رادیو که پس از نزدیک به بیست سال در افتادگی از ملت خود هنوز ادعا دارند که حزب طبقه کارگر ایران هستند با پخش گفتمانهای پزیرانهایی بزبانهای فارسی کردی و ترکی بر ضد چریکها راهبرها در پیش گرفته اند که بدون شک بدولت شاه رضایت خاطر فراوان میدهند. این برخورد آنها در نظر اول تعجب انسانها بر میانگیزد ولی کسانی که این باصطلاح "حزب" را خوب می شناسند هیچ از آن تعجب نمیکنند زیرا که نقش فرصت طلبانه و ضد انقلابی این "حزب" سالهاست بر آنها روشن گردیده.

امروز اگر بگوئیم که "حزب توده" فقط پیک بتنگه تبلیغاتی برای سیاست خارجی سلطه جگر شوروی تبدیل شده و سران آن در طرفداری از حقوق مردم ایران صمیمیت ندارند مرتکب غلو شده ایم. همچنین میتوانیم بگوئیم که "حزب توده" اکنون تقریباً تمام محبوبیت سابق خود را در نزد زحمتکشان ایران از دست داده است. اما اگر ازین گفته چنین نتیجه بگیریم که باید تبلیغات رادیوی پیک ایرانرا بی اثر تلقی کرد دچار اشتباه شده ایم. عد می زیادی از مردم ایران و مخصوصاً جوانان باین دلیل که پیک ایران یک رادیوی مخالف است به برنامه ها آن گوش میدهند و اینان که به هیچ وسیله دیگر نمیتوانند از نظریات جبهه ملی آزاد بخش مطلع شوند میتوانند که در فضاهای این رادیو را حقیقت انگارند و بجای برگزیدن راه درست گمراه گردند.

بزرگترین دروغ "حزب" توده اینست که چریکها با پیچود آمدن حزب طبقه کارگر مخالفند و دروغ دیگر اینست که آنان به مبارزات صنفی طغی در تحت شرایط حاضر اعتقاد ندارند. در موارد دیگر، پیک ایران بر چریکها خنده میکند که چرا گفته اند گردانندگان این رادیو حزب طبقه کارگر ایران نیستند و چنین جنسی اصلاً وجود ندارد. در سطحی بالاتر آنها انتقاد مینمایند که چرا گفته شده است که جبهه شرایط عینی انقلاب در ایران وجود دارد اکثر کارگران ایران از مبارزه طبقاتی نومیدند. روی برگشته شیره کلام نویسنه گان پیک ایران اینست که چریکها ماجراجویند و از بینش علمی بی بهره.

تمام کسانی که پیش از "حزب" توده با وضع خلقهای ایران آشنا هستند - و این شامل تقریباً همه کس است - جواب این ایرادات را میدهند. اگر "حزب" توده حزب طبقه کارگر مانده در صفحه دوم

تیرباران شده گان قهرمان

"سازمان مجاهدین خلق ایران"

رئیس ضد ملی و دست نشانده شاه و تن دیگر از بهترین فرزندان مردم ایران، اعضای فدائیکاران سازمان مجاهدین خلق ایران را که به نبرد دلورانه، مسلحانه چریکی علیه رژیم شاه مبارزت نموده بودند، در دادگاههای سرشته نظامی محکوم باعدام کردند. در سحرگاهان روزهای سی ام فروردین و چهارم خرداد ۱۳۵۱ این قهرمانان تاریخ مردانه در مقابل جوخه ی اعدام قرار گرفتند و ششست شهادت نوشیدند.

این مبارزان دلیر سردانه جنگیدند و پس از دستگیری توسط مأموران پست ساواک و شهرتانی به شدیدترین وجوهی مورد شکنجه های غیر انسانی قرار گرفتند و دلیرانه مقاومت کردند و در دادگاههای فرمایشی نظامی از شرف خود و اهداف سازمان مجاهدین خلق ایران و نبرد مسلحانه چریکی، در مجموع دفاع کرده و آثار پیکانه راه برای پیروزی مردم ایران در شرایط کسوفی اعلام کردند.

افتخار و درود بسرایین شهیدان قهرمان!

مهندس سعید محسن - از دانشکده فنی مهندسی شد و بعداً کارشناس تأسیساتی وزارت کشور شد. ابتدا عضو نهضت آزادی بود و در فعالیتهای دانشگاه جبهه ملی شرکت فعال داشت. در سال ۴۴ همراه مهندس سنجیق نواد و دیگران گروه مستقلی تشکیل داده و بتدارک نبرد مسلحانه

مانده در صفحه چهارم

بیانیه سیاسی "سازمان مجاهدین خلق ایران"

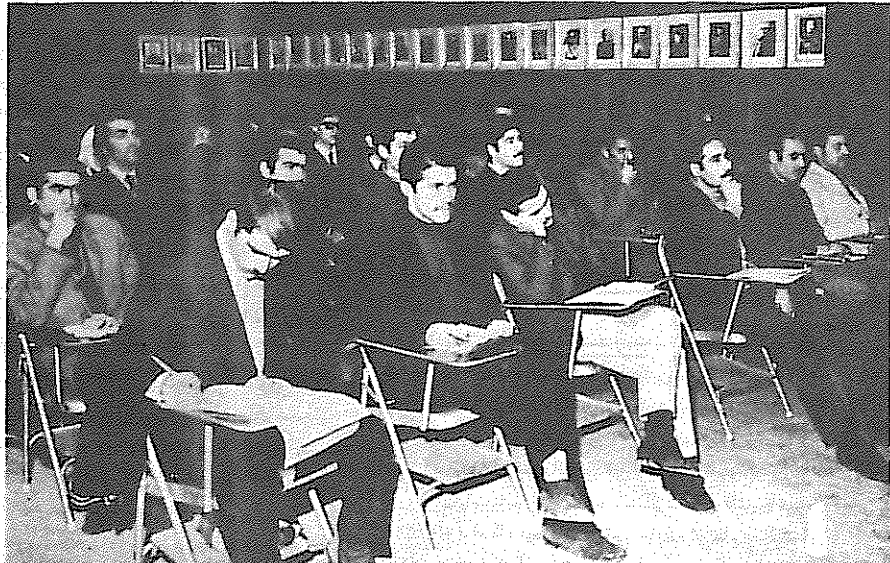
در شماره اول "۱۹ بهمن" در مطلب "سازمانهای انقلابی" مختصری درباره "سازمان مجاهدین خلق ایران" منتشر کردیم. در ظرف چند ماه اخیر چریکهای قهرمان وابسته باین سازمان انقلابی نبرد مسلحانه که در شبندوش "سازمان چریکهای فدائی خلق" و سایر گروه های نبرد مسلحانه علیه رژیم خودکامه و نوکر استعمار محمد رضا شاه جنگیده اند، قربانیهای زیادی دادماند. ۹ تن از آنان در میدان تیرباران شهید شدند و وعده های دیگر در میدان نبرد یا دشمن فرومایه شهید گردیدند.

در زیر اعلامیه سیاسی "سازمان مجاهدین خلق ایران" را میآوریم:

بیانیه سیاسی "سازمان مجاهدین خلق ایران" بنام خدا و بنام خلق ایران
 "این حق مسلم ستمدیدگان است که بنبرد برخیزند و خدا بر پیروزی آنان تواناست"

خلق شرافتمند ایران

سالهاست میهن ما در جنگال استعمار قدیم و جدید اسیر است. سالهاست که ثروت های مادی و معنوی کشور ما و ملت ما از طرف امپریالیستها و سرمایه داران جهانی و نوکران داخلی آنها بتاراج رفته است. سالهاست که رنجبران میهن ما بسا تلاش روزافزون خویش و علیه منابع و امکانات طبیعی فراوان کشور در فقر و بیچارگی بیشتر فرو رفته اند. تمامی برنامه های اصلاحی رژیم شاه که چیزی جز خواسته های اربابان امپریالیستین در استعمار بیشتر مانده در صفحه چهارم



از چپ بر راست (ردیف اول): ماسودرچی، محمود بازرسی، مسعودرجوی، علی میوندوست، منصور یازمان، مهدی فیروزیان (ردیف دوم): حسن راهی، محمد تقی شهرام، محمود احمدی، مصطفی ملایری و محمود فردی

۱۹ بهمن سر آغاز عصر جدیدی است در تاریخ مبارزات خلقهای ایران